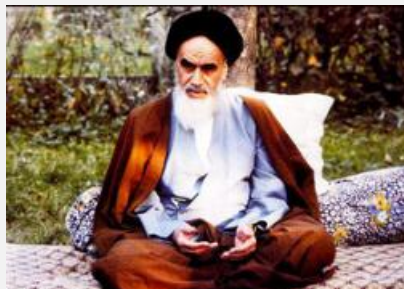


امام خمینی(ره) و دفاع مقدس



امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است...

کمربندهاتان را ببندید، هیچ چیز تغییر نکرده است

جام جم آنلاین: امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و دیروز خدا آن گونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم، و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم.

مقدمه: اگرچه مناسبت هفته دفاع مقدس، سالروز آغاز جنگ تحمیلی بر ملت ایران است اما سؤال درباره علت جنگ، ثمرات آن و دلایل طولانی شدنش و نیز دلایل قبول قطعنامه 598 هم معمولاً در همین ایام به میان می‌آید.

امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی، در مناسبت‌های مختلف با صدور پیام‌های تحلیلی به تبیین شرایط روز جامعه می‌پرداختند. مخاطب بخش‌هایی از پیام‌های امام خمینی نیز نسل‌های بعد از ایشان بوده است. بازخوانی این پیام‌ها به بسیاری از پرسش‌های امروزی هم پاسخ می‌دهد.

پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد قتل عام حجاج در سال 1366 که در آن علاوه بر دلایل اصرار بر سنت برائت از مشرکین، درباره علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت هم توضیح داده‌اند، ظاهراً آخرین دست نوشته رسمی حضرت ایشان است.

بخش‌های مرتبط با دفاع مقدس این پیام مهم در پی می‌آید: #171... البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم.

ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را در جهان استکبار ترویج نماییم.

و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی، حتی اگر با مبارزه قهر آمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم.

انشاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهان‌خواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند، و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم‌های خود مرهم گذارند، که دوران بن‌بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملت‌ها رخ نموده است و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل‌های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند.

همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم، و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکا زاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید، و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید.

به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه آزاده است و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً آمریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است.

دروازه‌های #171 مدینه الرسول؛ را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علیرغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها با ترتیب کنفرانس‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها پرده از اسرار جنایت‌بار آمریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نمایند. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود، و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند.

راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب کرد: یا شهادت یا پیروزی، که در مکتب ما هر دوی آن‌ها پیروزی است، که ان‌شاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است، و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود و چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل این‌گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد و دلیل این مدعا اجازه راهپیمایی‌هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آن گونه راهپیمایی‌ها هیچ‌گونه ضرری برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ندارد.

راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد. ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود.

و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان گذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می‌کنیم.

حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر این چنین بود، این‌ها که سال‌هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید.

آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب

دربه فلسطین از شجره مبارکه «لاشرقیة ولاغربیة"; ما برافروخت و امروز به همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این‌ها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آن‌هایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابره‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم، و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است، و قلب‌ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابیتان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختی‌ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است.

مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آن‌ها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوی نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی‌های سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک باران مناطق مسکونی و بمباران‌های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیل مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نکند.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست، و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند.

و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.

فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.

مسوولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند از این اتهامات نباید ترسید.

باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند.

اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می‌کنند. باید از شر این‌ها به خدا پناه بریم و همچنین کسانی دیگر که بدون استئنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود.

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است.

و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد.

امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.

انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند.

و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستم‌شاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی‌گرایی و التقاط را خشکانیده‌اند و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آن‌هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند.

خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین - علیه السلام! اذنب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است.

ن باید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد.

تمامی این‌ها خیالات باطل ملی‌گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم.

ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.

پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که این‌ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آن‌ها فرقی ندارد.

امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و دیروز خدا آن‌گونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم، و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم.

و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است، و استکبار از همه کمینگاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است.

جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.

و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید.

برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت.

راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرئت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگ‌ترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود.

و اینجانب به نظام‌های امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید.

و همیشه این‌گونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب‌های خلیج فارس بفرستند.

به دولت‌ها و حکومت‌های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجویی‌ها و جنایاتی که آمریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم.

ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید.

خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا این‌قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لاف‌آلود آزادانه باشید. به حمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است، و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند.

به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه خواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.

بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند، و با دلسوزی‌های بی‌مورد و اعتراض‌های کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی‌ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی‌ها و شرقی‌ها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آن‌ها ولی و قیم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها، نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را آمریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارابه سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند.

کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران آمریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آن‌ها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابره‌نه‌ها و محرومین در جهان مالکیت‌های بی‌حد و مرز سرمایه داران است.

ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود، و آقایی و سروری محرومین و پابره‌نگان جهان جشن گرفته شود.

مطمئن باشید قدرت‌های شرق و غرب همان مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش‌های معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.

ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.

ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود.

اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود. من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم.

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد.

این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است.

خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست، و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دل‌سوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.

خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آن‌هایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوند، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوند، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.

خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آن‌هایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقادکننده و پرخاشگر گذشتند! آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم.

آن‌هایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که

حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.

که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب این‌گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند، و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست.

با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است، و چه بسا با بهانه جویی‌ها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد.

ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد.

مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند.

در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینی‌ها دور کنند و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند، و با سعه‌صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و باید‌ها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آن‌هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند، و جیره خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند و ملی‌گرایی بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان‌شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است. ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکالی خود تصمیم گرفته‌اند.

و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است. مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم و شما را می‌شناسم، شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود.

شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام.

عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهان خوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد،

همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوند، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان این‌گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است.

بغض و کینه انقلابیتان را در سینه‌ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست و تاکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند.

آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است.

که ان‌شاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید، و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید، و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.

مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند.

به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. ان‌شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.

مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید، و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند، زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند، و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمنده، و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی-علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانت‌داری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.

مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی

اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاک و غیر متعهد وجود دارد.

و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند، و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده‌اند و می‌زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگ‌ها منتفر و گریزان بوده‌اند.

من به صراحت می‌گویم ملی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست دلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند، و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهاند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند.

کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن‌ها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است که اگر بنده استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستیمان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

علما و روحانیون ان‌شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسوولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تاکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید.

و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت.

این‌ها که امروز این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. این‌ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید.

در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند، و گناه این کمتر از التقاط نیست.

وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم.

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی.

باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت.

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی‌های بی‌مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند، و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند.

در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان‌ها و انجمن‌ها و تشکیلات سیاسی و غیر آن‌ها با ظاهری صد درصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند.

البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابره‌هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است.

ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسوولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم. در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم.

و از محضر مقدس بقیةالله - ارواحنا فداه - عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید.

خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید، و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند.

خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی.

انک قریب مجیب.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

پنجم ذیحجه 1408 / 67/4/29;raquo